

## از جنبش مؤمنان تا جامعه مسلمانان

### مروری بر کتاب «محمد و مؤمنان: در باب خاستگاه‌های اسلام» اثر فرد داینر

ایمان تاجی

فرد داینر (متولد ۱۹۴۵) استاد بازنشسته دانشگاه شیکاگو در مطالعات اسلام است. در رشته مطالعات خاور نزدیک از دانشگاه پرینستون فارغ‌التحصیل شد و سپس در دانشگاه ییل و دانشگاه شیکاگو به تدریس و تحقیق پرداخت. حوزه تحقیقاتی داینر بیشتر بر تاریخ‌نگاری اسلام، مطالعات قرآن، دست‌نوشته‌ها و پاپیروس‌های عربی و همچنین خاستگاه‌های اسلام متمرکز است. از کتاب‌های مهم او می‌توان به «فتوحات اولیه اسلامی» (۱۹۶۱) و «روایت‌های شکل‌گیری اسلام: آغاز نوشته‌های تاریخی اسلامی» (۱۹۹۸) اشاره کرد. «محمد و مؤمنان: در باب خاستگاه‌های اسلام» (۲۰۱۰) آخرین کتاب داینر در مقام نویسنده است که انتشارات دانشگاه هاروارد در ۳۰۴ صفحه منتشر کرده است. او در پیش‌گفتار کتاب به اسلام‌پژوهان غربی خرده می‌گیرد که چرا شکل‌گیری اسلام اولیه را بیشتر متأثر از عوامل اجتماعی و اقتصادی می‌دانند و جنبش مسلمانان را به جنبشی سیاسی برای رسیدن به اهدافی بومی یا به‌نوعی ملی‌گرایانه تقلیل داده‌اند. به عقیده داینر، اسلام در اصل حرکتی «مذهبی» بوده و مهم‌ترین دل‌مشغولی مسلمانان اولیه رسیدن به رستگاری از طریق زندگی پرهیزکارانه بوده است. او همچنین در این کتاب استدلال می‌کند که شکل‌گیری اسلام به صورت دینی سامان‌مند و مشخص در دوران حکومت اموی صورت پذیرفت و در واقع کوشش‌های حاکمان اموی منجر به تشکیل هویتی جداگانه برای مسلمانان و پدید آمدن جامعه اسلامی شد. به عقیده او، بدون حکومت اموی شاید دین اسلام به صورتی که امروز می‌شناسیم وجود نداشت.



دائر در فصل اول کتاب، «خاور نزدیک در آستانه شکل‌گیری اسلام»، اوضاع عربستان و امپراتوری‌های پیرامون آن را قبل از ظهور پیامبر توصیف می‌کند. او می‌گوید محمد در زمانه‌ای می‌زیست که محققان امروزی دوران «باستان متأخر» می‌نامند. این دوره سده‌های سوم تا هشتم میلادی را در برمی‌گیرد و در آن فرهنگ‌های کلاسیک دوران باستان نظیر فرهنگ‌های یونانی-رومی و ایرانی به تدریج متحول می‌شوند. به عقیده او، حکومت بیزانس در دوران نزدیک به ظهور پیامبر علاوه بر خطراتی که از دشمن همیشگی او یعنی حکومت ساسانی متحمل می‌شد، دچار کشمکش‌های داخلی نیز بود. از آن جمله می‌توان به مشکلات ناشی از حفظ یکپارچگی سیاسی در سرزمین‌های وسیع تحت حکومت، همه‌گیری بیماری‌های مُسری همانند طاعون و وقوع بلایای طبیعی نظیر زمین‌لرزه و تنازعات مذهبی اشاره کرد. فرآیند رسمی‌سازی کلیسا و شکل‌گیری ارتدکسی مسیحی از قرن چهارم — که مسیحیت دین رسمی حکومت روم شد — آغاز شده بود، اما در قرن ششم مخصوصاً در سوریه، ارمنستان و مصر فرقه‌های مختلفی از مسیحیت پدید آمدند و برخی از آن‌ها نظیر نسطوریان در مناطق زیر سلطه ساسانیان و حتی آسیای مرکزی نیز گسترش یافتند. به علاوه، رهبانیت نیز در قرن پنجم و ششم در منطقه خاور نزدیک طرفداران بسیاری داشت. این رهبانیون معتقد بودند که رستگاری تنها در اثر ایمان حاصل نمی‌شود و عمل صالح شرط مهم و ضامن نجات اخروی است. در این دوران، دغدغه‌های آخرالزمانی و هشدارها درباره نزدیکی روز بازپسین بیشتر می‌شوند. در نتیجه، انسان‌ها باید مراقب رفتارهای خود باشند چرا که فقط پرهیزکاران در روز حساب رهایی خواهند یافت.

از سوی دیگر، حکومت ساسانی با وجود در دست داشتن منطقه عراق به عنوان سرزمینی حاصل‌خیز، که می‌توانست خراج زیادی به حکومت بپردازد، حکومت مرکزی یکپارچه‌ای نداشت. حفظ قدرت واحد مرکزی با وجود سرزمین‌های وسیع تحت حکومت و اشتقاقات مذهبی مشکل بود. علاوه بر خطر همیشگی بیزانس در مرزهای غربی، خطر حملات پراکنده همسایگان چادرنشین مرزهای شرقی و شمالی نیز حکومت ساسانی را تهدید می‌کرد.



جنگ‌های طولانی و فرسایشی امپراتوری‌های بیزانس و ساسانی صدمات زیادی به این دو حکومت وارد کرده بودند. عربستان، که بیشتر آن را بیابان‌های خشک تشکیل می‌دهد، به جز مناطق جنوبی آن در یمن، چندان موضوع منازعه‌های مستقیم سیاسی نبود؛ هرچند حکومت‌ها تلاش می‌کردند غیرمستقیم بر آن سرزمین تسلط داشته باشند. در آن دوران، زندگی در صحراهای عربستان به صورت قبیله‌ای در جریان بود و هر قبیله معمولاً عقاید مذهبی خاص خود را داشت، چنانکه پرستش بت و اجرام آسمانی از جمله عقاید آنان بود. در قرن ششم میلادی، گرایش فزاینده‌ای به سمت یکتاپرستی در عربستان دیده می‌شود و یهودیت و مسیحیت طرفدارانی پیدا می‌کنند. یکی از پدیده‌های مذهبی زنده در عربستان در آن دوران «ادعای پیامبری» است. هم‌زمان با محمد افراد دیگری نیز در آن سرزمین ادعای پیامبری و ارتباط با عالم قدس داشتند.

فصل دوم با عنوان «محمد و جنبش مؤمنان» ابتدا تصویری کلی از زندگی نامه پیامبر براساس منابع اسلامی ارائه می‌کند. سپس به مشکلات و چالش‌های روایت‌های سنتی از سیره پیامبر می‌پردازد. یکی از این مشکلات آن است که تصویر روایت‌های سنتی از زندگی محمد برگرفته از اسناد موثق یا حتی داستان‌های معاصر با زمان زندگی او نیست، بلکه همگی از برگرفته از منابعی مکتوب‌اند که چند قرن پس از محمد نگاشته شده‌اند. نویسنده معتقد است این متون، که معمولاً براساس ساخته‌های ذهنی نگارنده‌های متأخر یا راویان آن داستان‌ها نوشته شده‌اند، بسیاری از نکات مهم را فروگذار کرده و زندگی پیامبر را با افسانه‌ها درآمیخته‌اند. هدف سیره‌نویسان مسلمان ساختن روایتی از زندگی پیامبر بوده که مؤید عقاید و اعمال روزگار خود آن نویسندگان باشد، اگرچه نمی‌توان تمام این متون را چنین دید و همگی را کنار گذاشت. متون اسلامی اطلاعاتی ارزشمند نیز دارند که باید آن‌ها را با روش‌های دقیق تاریخی کاوید و سره و ناسره را از هم جدا کرد. به عقیده داور، این کار هنوز در ابتدای راه خود است و برای رسیدن به نتایج قابل قبول مسیر پرپیچ و خمی در پیش دارد. یکی از منابع مهم کمک‌کننده در این مسیر متون غیراسلامی‌اند که برخی از آن‌ها با فاصله زمانی بسیار کمی از حیات پیامبر به دست ما رسیده‌اند. هرچند که این متون نیز مشکلات خاص خود را دارند، اما



حداقل بسیار به دوران زندگی پیامبر نزدیک‌اند و از این رو قابل اتکاترند. همچنین سند بسیار مهم و شاید مهم‌ترین منبع در باب اجتماع اولیه مؤمنان متن خود قرآن است.

با چنین پیش‌فرضی، داور ویژگی‌های ابتدایی جنبش مؤمنان را از نظرگاه قرآن بازسازی می‌کند. اولین نکته‌ای که هنگام مراجعه به قرآن به چشم می‌خورد آن است که مخاطب اصلی قرآن «مؤمنان» اند. امروزه تحت تأثیر تفسیرهای متأخر، مسلمانان واژه‌های «مسلم» و «مؤمن» را تقریباً به یک معنا به کار می‌برند اما در متن قرآن این‌گونه نیست. حقیقت این است که واژه‌های اسلام و مسلم و نظایر آنها کاربرد بسیار محدودی در قرآن دارند و پیروان محمد در اغلب موارد با لفظ «مؤمنون/مؤمنین» شناخته می‌شوند. به نظر می‌رسد امت اولیه خود را «مؤمنان» می‌دانستند نه «مسلمانان». اما این مؤمنان به چه چیز ایمان داشتند؟ داور، براساس آیات قرآن، مهم‌ترین اعتقادات اجتماع اولیه مؤمنان را «توحید» و «عقیده به روز بازپسین» (یوم‌الدین) می‌داند، عقایدی که قبل از پیامبر و در جغرافیای آن روزگار در دوران باستان متأخر طرفدارانی هم پیدا کرده بودند. مؤمنان اولیه همچنین به رسولان و پیامبران و ارتباط وحی‌مداران‌ها با عالم بالا ایمان داشتند و معتقد بودند که کتاب‌های مقدس و به‌ویژه قرآن محصول وحی الهی به پیامبران است. همچنین براساس متن قرآن، مؤمنان اولیه معتقد بودند که برای رستگاری باید از گناه و اخلاق نادرست دوری کنند و پرهیزکار باشند، نماز بگذارند و به پیشگاه خداوند دعا کنند؛ هرچند شاید دعا و نماز آنان مشابه شکل عبادات رایج مسلمانان امروزی نبوده باشد. صدقه و زکات نیز یکی از احکام مؤمنان اولیه برای رهایی و پاکی از گناهان بوده است. روزه، که یهودیان و مسیحیان در روز عاشورا یا دهم هر ماه می‌گرفتند، به زندگی مؤمنان نیز وارد شد. عمره و حج نیز از جمله ارکان اعتقادات آنها بود که برخی جزئیات آن را می‌توان در مراسم مذهبی پیش از اسلام در مکه و همچنین سنت زیارت در یهودیت و مسیحیت پی گرفت. تمام آنچه درباره اعتقادات مؤمنان اولیه گفته شد در زمانه خود تقریباً شناخته بودند اما در ادبیات قرآنی شکل خاصی به خود گرفتند.

داور معتقد است دلیلی ندارد مؤمنان اولیه را گروهی منحصر به فرد بدانیم که نسبت به دیگر یکتاپرستان مرزبندی مشخصی داشتند. در واقع، بسیاری از یهودیان، مسیحیان و یکتاپرستانی که معتقد بودند راه رستگاری تقوای پیشگی و پرهیزکاری است، همگی درون این



اجتماع مؤمنان قرار می‌گرفتند. از برخی آیات قرآن بر می‌آید که مسیحیان و یهودیان نیز تا زمانی که صالح و پرهیزکار باشند جزئی از امت مؤمنان‌اند.

واژه «مُسلم» در قرآن بیشتر به معنای تسلیم‌شده در برابر فرمان الهی است که گاه به یهودیان و مسیحیان نیز اطلاق شده است. البته «اسلام» در موارد معدودی برای اشاره به مشرکانی که ایمان آورده بودند نیز استفاده می‌شد. در اجتماع اولیه مؤمنان، یهودی و مسیحی عنوان مشخصی بود اما برای فرد مشرکی که به تازگی ایمان آورده بود نام خاصی وجود نداشت. در نتیجه، مشرکانی که یکتاپرست شده بودند و از قوانین قرآن پیروی می‌کردند به‌مرور به‌عنوان مسلم شناخته شدند، اما همچنان همگی در کنار یهودیان و مسیحیان سازندگان «امت مؤمنان» بودند. علاوه بر قرآن، اسناد دیگری نیز تأیید می‌کنند که یهودیان جزئی از اجتماع مؤمنان بوده‌اند. یکی از این اسناد قدیم «دُستور المدینه» (یا «قانون اساسی مدینه») است که دائر اصرار دارد آن را «سند امت» بنامد. این سند، که اکثر محققان وثاقت تاریخی‌اش را به رسمیت می‌شناسند، متن توافق‌نامه محمد و مردم یثرب است. در این متن، یهودیان جزئی از امت مؤمنان خوانده شده‌اند و واژه مسلم به‌طور خاص به مؤمنانی اطلاق می‌شود که از قوانین قرآن پیروی می‌کنند.

یکی دیگر از ویژگی‌های امت اولیه مؤمنان اعتقاد به نزدیک‌بودن آخرالزمان است. به‌ویژه، بسیاری از آیات مکی در این زمینه هشدار می‌دهند و مؤمنان را به آمادگی در این زمینه، چه به‌صورت فردی و چه به‌صورت اجتماعی، فرا می‌خوانند. ایده دست‌یابی به جامعه‌ای سالم که همگی در آن یکتاپرست و پرهیزکار باشند، مسئله «جهاد» را نیز به میان می‌کشد. جهاد راهی است برای گسترده‌کردن وحی الهی و ایجاد جامعه‌ای که در آن امر به معروف و نهی از منکر جای داشته باشد. نشستن و دوری از جهاد جایز نیست چرا که آخرالزمان نزدیک است و باید هرچه سریع‌تر پادشاهی خداوند را بر روی زمین گستراند. دائر می‌گوید این جهاد تنها علیه مشرکان مطرح بوده و نه با اهل کتاب یکتاپرست که خودشان جزئی از امت مؤمنان بودند و در جهادها همراه دیگر مؤمنان حضور فعال داشتند. در همین راستا، ایده «هجرت» نیز در میان اجتماع اولیه مؤمنان شکل می‌گیرد که به معنای ترک زندگی قبیله‌ای یا ترک خانه برای پیوستن به خیل مجاهدان است.



«گسترش امت مؤمنان» نام فصل سوم کتاب است. با وفات پیامبر، جانشینان او با نام «امیرالمؤمنین» روی کار می‌آیند. این نام حداقل دو معنا در خود دارد: نخست تأییدی است بر این که امت اولیه خود را با نام مؤمنان می‌شناختند و دوم این که ریاست جامعه برای خود نقشی «نظامی» قائل است. «امیر» به معنای فرمانده است و در عربی اغلب در زمینه‌های نظامی استفاده می‌شده است. واژه «خلیفه» در هیچ یک از منابع قرن اول هجری وجود ندارد و احتمالاً بعدها در این معنا به کار رفته است. داور می‌گوید برخلاف چهره‌خشنی که متون تاریخی اسلامی از فتوحات نشان می‌دهند، فتوحات اولیه به‌ویژه در سوریه اغلب بدون خشونت بوده است. به‌طور مثال، تا به حال هیچ‌گونه شاهد باستان‌شناختی از کلیساهای تخریب‌شده در این منطقه دیده نشده بلکه شواهدی داریم که کلیساهای جدیدی نیز در این زمان ساخته شده است. به‌علاوه، چنانکه گفته شد، در آن زمان بسیاری از ادیان دیگر نیز بخشی از جامعه مؤمنان بودند و در نتیجه نیازی به جنگ‌آوری و مقابله با آنان نبود. در قرن اول هجری، هیچ متن جدلی یهودی، مسیحی یا زردشتی که اسلام را دشمن خود ببیند وجود ندارد. اگر جنگی هم اتفاق می‌افتاد، معمولاً با سپاهیان نظامی ساسانی و بیزانس صورت می‌گرفت. باید اضافه کرد که جنبش مؤمنان جنبشی صلح‌طلب بود و اگر مردمان منطقه‌ای پرداخت مالیات را قبول می‌کردند، فشاری برای تغییر دین به آن‌ها وارد نمی‌شد. در ادامه این فصل، داور گزارشی از چگونگی فتوحات و تصرفات مؤمنان در شرق و غرب می‌دهد. به عقیده او، هدف فاتحان اولیه پایه‌ریزی حکومتی از مؤمنان بود که در آن همگی بتوانند با عمل به دستوره‌های الهی زندگی کنند و قوانین خدا بر روی زمین اجرا شود. آن‌ها حکومت ساسانی و بیزانس را حکومت‌هایی فاسد می‌پنداشتند که راه برقراری قوانین الهی را بسته‌اند. آن‌ها روز قیامت را نزدیک می‌دیدند و معتقد بودند که باید زمینه را برای آخرالزمان مهیا کرد. به‌ویژه، تصرف اورشلیم، که شخص پیامبر نیز در اواخر عمر خود تأکید بسیاری بر آن داشت، در همین راستا قابل توجه است. اورشلیم شهری است که مطابق اعتقادات آن زمان نقش مهمی در اتفاقات آخرالزمان دارد.

فصل چهارم «نبرد بر سر زعامت امت (۳۴-۷۳ ق)» نام دارد. بعد از وفات پیامبر تا سال‌ها بحث جانشینی او موجب اختلافات بسیاری در میان امت شد؛ دو جنگ داخلی بزرگ



در فاصله سال‌های ۳۵-۴۰ و ۶۰-۷۳ اتفاق افتاد که خسارت‌های فراوانی به بار آورد. در این فصل، داور زمینه‌های مختلف این جنگ‌های داخلی را تحلیل می‌کند: جنگ داخلی اول در زمانی رخ داد که علی بن ابی طالب امیرالمومنین بود و دومی پس از مرگ معاویه. سرانجام تمامی این جنگ‌های داخلی با ظهور پُر قدرت عبدالملک مروان، حاکم اموی، پایان می‌پذیرد. اختلافات بیش از حد ناشی از جنگ‌های داخلی سبب می‌شود که عبدالملک مروان به دنبال یکپارچه‌سازی و هویت‌سازی در میان امت مؤمنان باشد. به عقیده داور، پایه‌گذاری اسلام به‌عنوان یک دین مشخص و با مرزبندی‌های متمایز را باید به این خلیفه اموی نسبت داد.

او در فصل پنجم با نام «ظهور اسلام» به این مسئله می‌پردازد. داور معتقد است که از زمان خلیفه عبدالملک بسیاری از اصطلاحات به تدریج کارکرد قبلی خود را از دست می‌دهند و برخی کلمات در معنای جدیدی به کار می‌روند. برای مثال «مُهاجرون»، که فاتحان اولیه گاه خود را با این نام می‌خواندند، دیگر کمتر استفاده می‌شود. واژه «مُسلم»، که گاه به تمامی یکتاپرستان نیز اطلاق می‌شد، کم‌کم فقط برای یکتاپرستانی که ذیل دین‌های مشخص دیگر نبودند و از قرآن پیروی می‌کردند، به صورت اسم خاص در آمد و کلمه «مؤمن» نیز به تدریج در همین معنا استفاده شد. بدین ترتیب، مرزبندی‌های بیشتری میان پیروان قرآن و پیروان کتاب‌های آسمانی دیگر اتفاق افتاد: توجه به شخص پیامبر به‌عنوان «مؤسس دین اسلام» و تکیه بر متن قرآن به‌عنوان متن مقدس مسلمانان بیشتر شد، شهادت دوگانه یعنی «لا اله الا الله، محمد رسول الله» در این دوره رونق گرفت، درحالی‌که پیش از آن بیشتر از شهادت «لا اله الا الله» استفاده می‌شد. به علاوه، احادیث و گفته‌های پیامبر جمع‌آوری و مکتوب شد تا هم جایگاه او تقویت شود و هم به حکومت مشروعیت داده شود.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت مدعای اصلی کتاب داور آن است که دعوت محمد در عربستان لزوماً دعوت به یک دین جدید نبوده است، بلکه او پیامبری بوده که همگام با اندیشه‌های معاصر خود انذار و تبشیر به آخرالزمان می‌کرده و مردمان را برای آمادگی جهت روز حساب هشدار می‌داده است. از این رو، بسیاری از یکتاپرستان دیگر نیز در دعوت او همراهش بودند و همگی امت مؤمنان را تشکیل می‌دادند. بعدها و در اثر رخداد‌های سیاسی مختلف و در زمان عبدالملک مروان است که اسلام به‌عنوان دینی جداگانه و مشخص شکل می‌گیرد. کتاب



حاوی دو پیوست است. ترجمه متن «سند امت» (قانون اساسی مدینه) در پیوست اول و ترجمه متن کتیبه‌های «قُبّة الصخره» در پیوست دوم آمده است. همچنین بخش دیگری در انتهای کتاب به معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر اختصاص داده شده است. در این بخش، داور به صورت جداگانه موضوعات مهم هر فصل را برمی‌شمرد و منابع زیادی را جهت پی‌گیری هر موضوع معرفی می‌کند.

